



۸ مارس

مظهر آزادیخواهی و برابری طلبی

صفحه ۲

آذر ماجدی



به استقبال روز زن برویم!

برابری بیقید و شرط زن و مرد همین امروز!

صفحه ۵

سیاوش دانشپور



قتل ایرام زیر شکنجه

صفحه ۷

شهلا نوری

اطلاعیه اول در باره برگزاری کنفرانس بین المللی



بمناسبت روز جهانی زن

آزادی و برابری زنان، مذهب و

سکولاریسم

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



۸ مارس

مظهر آزادیخواهی و برابری طلبی

آذر ماجدی

بیشتر بر آن حکم می راند؛ زندانها، پلیس و ارتش و یک دستگاه پیچیده ایدئولوژیک هر آن در صدد خفه کردن هر نوع گرایش انسانی برای تغییر و ایجاد یک دنیای بهتر است؛ ریشه ستمکشی زن و حاکمیت مناسبات زن ستیز و مردسالارانه را باید در مناسبات اقتصاد سیاسی جامعه جستجو کرد. این مناسبات است که مانع اصلی مبارزه برای آزادی زن و برابری زن و مرد است.

در این دنیای وارونه استثمار خشن، از مذهب و آراء عتیق برای عقب نگاه داشتن جامعه، تفرقه انداختن در میان انسان ها، سرکوب گرایشات و جنبش های اجتماعی برای رهایی و برابری با تمام قوا استفاده می شود. به جهان بنگرید که چگونه طی سه دهه اخیر نقش مذهب در زندگی مردم افزایش یافته است؛ چگونه مذهب همچون دوران جنگ های صلیبی به کشتار انسان ها مشغول است؛ چگونه با ایدئولوژی مذهبی مردم را تکه تکه می کند؛ چگونه با خلق یک جنبش سیاه تحت نام اسلام سیاسی، زندگی مردم یک منطقه وسیع را به ورطه نابودی کشانده اند؛ چگونه در بخشی از جهان که بیش از نیم قرن، نقش مذهب حاشیه ای شده بود، اکنون انواع و اقسام کلیسا، از کاتولیک تا ارتودوکس بجان مردم افتاده است. چگونه ایدئولوژی یهودیت و اسلامی چندین دهه است که جنایت و جنگ و خونریزی را در بخشی از جهان مشروع و مقدس جلوه داده است. و کیست که نداند، مذهب یک ایدئولوژی تماما زن ستیز است. مذهب محصول دوران عتیق است. اما امروز این مذهب همچون بخش لاینفک ایدئولوژی حاکم در خدمت حفظ این نظام و تحکیم و تشدید زن ستیزی است.

سرمایه داری ستمکشی زن را از جوامع

صفحه ۳

روزمره تحت اذیت و آزار ماموران مذهبی دولتی قرار می گیرند؛ دولتهای سرکوبگر و زن ستیز بطور سیستماتیک از آزار جنسی و تجاوز بعنوان سلاحی برای به سکوت کشاندن زنان معترض و ارباب علیه زنان استفاده می کنند. بعلاوه، زنان بسیاری روزمره قربانی خشونت باصطلاح "خانگی" توسط همسران، پدران، برادران و خانواده همسر خود هستند. از ضرب و شتم تا اسید پاشی و به آتش کشیدن سرنوشت بخش عمده زنان در دنیا را رقم میزند. قتل ناموسی، این پدیدهفرون وسطایی هنوز هزاران قربانی از زنان میگیرد. به همت رشد و قدرت گیری اسلام سیاسی و جنبش های مذهبی، سنت های عتیق جنایت و زن ستیزی، همچون سنگسار احیاء شده است. شرمناک است، اما واقعیت دارد.

گفته می شود که مذهب و ارزش های کهن مردسالار مسبب موقعیت فرودست زن در جامعه امروز است. بعضا گفته می شود که مردان، بخاطر هورمون های "خشونت آفرین" شان مسبب این برده داری نوین اند. این ادعاها در مقابل واقعیت خشک و حساب دو دو تا چهارتای اقتصادی رنگ می بازند. در دنیای نوین، در قرن بیست و یک این نظام سرمایه داری است که دارد از بیحقوقی زن سود می برد؛ این بورژوازی است که جیب های خود را از قیل موقعیت تحت ستم زن در جامعه پرپول می کند؛ و این قانونمندی جان سخت نظام سرمایه داری است که بمثابة سدی محکم در مقابل دو قرن مبارزه اجتماعی برای رهایی زن قرار گرفته است. در جهانی که سود تنها محرکه آنست؛ در جهانی که حرص و ولع برای سود هر چه

در آستانه ۸ مارس، روز جهانی زن، هستیم. اکنون بیش از یک قرن است که ۸ مارس به مظهر آزادیخواهی و برابری طلبی بدل شده است. هر سال در این روز، یکبار دیگر جنبش آزادی زن و جنبش کمونیستی تعهد خویش را به مبارزه بی وقفه برای آزادی زن و برابری کامل و واقعی زن و مرد اعلام می کنند.

حدود دو قرن است که جنبش حقوق زن به شکل اجتماعی به میدان مبارزه برای برابری پا نهاده است. بیش از یک قرن از تعیین روزی بنام روز جهانی زن توسط جنبش کمونیستی می گذرد. اما هنوز زنان در تمام دنیا تحت ستم اند. به یمن مبارزات وسیع اجتماعی توسط جنبش آزادی زن و جنبش کارگری و کمونیستی در بخشی از جهان، در دنیای سرمایه داری پیشرفته، زنان به برخی از حقوق خویش دست یافته اند. این پیشروی، گرچه بسیار بارز است اما اولاً، در متن جهانی همچون قطره ای در اقیانوس است و ثانیاً در همین کشورها نیز بخش وسیعی از زنان تحت ستم و تبعیض قرار دارند. خشونت و تجاوز هنوز یک وجه دردناک زندگی بخش وسیعی از زنان است. بعلاوه، علیرغم دستاوردهای سه چهارم دهه اخیر، موقعیت بخش وسیعی از زنان از نظر اقتصادی و در بازار کار از مردان عقبتر است. دستمزد متوسط زنان حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از دستمزد مردان پایین تر است و دستیابی به برخی موقعیت های شغلی برای زنان بمراتب دشوار تر است.

علیرغم بیش از یک قرن مبارزه وسیع، توده ای و رادیکال علیه زن ستیزی و تبعیض جنسی، میلیون ها زن در جهان تحت خشونت عنان گسیخته دولتی، مذهبی و در نهاد خانواده قرار دارند. میلیون ها زن بویژه در کشورهای اسلام زده بشکل

اسلام ضد زن است!

مبارزه با فحشاء

از یک دنیای بهتر نوشته منصور حکمت

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازاریابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسنول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

صدور دمکراسی!

به لطف تهاجم میلیتاریستی و سر کار آوردن نیروهای متفرقه اسلامی در لیبی اجرای قوانین شریعه تصویب شد!



۸ مارس: مظهر آزادیخواهی

و برابری طلبی ...

پیشین به ارث برد و آنرا با نیازهای خود تطابق داد؛ اما در کنار آن تحرک و مبارزه برای آزادی زن و برابری زن و مرد نیز متولد شد. جنبش برای رفع تبعیض از زنان به همان جان سختی ستمکشی زن است. در تاریخ جوامع مدرن لحظات مهمی از مبارزات وسیع و توده ای زنان برای آزادی و برابری وجود دارد. مبارزاتی که تاریخ ساز و بیاد ماندنی هستند؛ جنبش زنان علیه تبعیض و برای حقوق برابر در اروپای غربی در قرن نوزده که به تعیین روز جهانی زن توسط جنبش سوسیالیستی زنان انجامید؛ جنبش آزادی زن در روسیه و شوروی بدنبال انقلاب اکتبر که دستاوردها و تأثیرات عمیق و گسترده ای داشت؛ و جنبش رهایی زن در اروپا و آمریکای شمالی در دهه ۶۰ میلادی مهمترین فصل های مبارزه بین المللی برای آزادی زن است. اکنون خاورمیانه و کشورهای اسلام زده به مهمترین کانون مبارزه برای آزادی زن بدل شده است.

جنبش آزادی زن در ایران همراه با بقدرت رسیدن رژیم اسلامی ابعادی توده ای یافت و وارد فصل جدیدی از حیات خود شد. این جنبش بویژه در دو دهه اخیر یک لحظه از تقابل با زن ستیزی اسلامی حاکم در کشور باز نایستاده است و به سمبل اعتراض به زن ستیزی و مقاومت در برابر مردسالاری بدل شده است. بحق می توان گفت که جنبش آزادی زن در ایران الگویی برای جنبش آزادی زن در منطقه و در برابر اسلامیت ها بدست می دهد. موقعیت زنان در ایران موجبات هشیاری و آگاهی زنان در کشورهای اسلام زده را طی دو سال خیزش های توده ای اخیر فراهم آورده است. مبارزه علیه اسلامیت ها، برای رفع تبعیض از زنان و سکولاریسم بویژه در مصر و تونس کاملاً متأثر از شرایط زنان و جنبش آزادی زن در ایران است.

جنبش آزادی زن در خاورمیانه و آفریقای شمالی یک آنٹی تز مهم و تعیین کننده ارتجاع حاکم است. جنبش آزادی زن یک رکن اساسی مبارزه برای آزادی، برابری و رفاه در این منطقه است. روز ۸ مارس فرصتی مناسب برای اعلام تعهد به آزادی زن و برابری کامل و واقعی زن و مرد و تحکیم تلاش برای دستیابی به این خواست در یک جامعه آزاد و برابر است.*

حقوق زن نه شرقی است نه غربی، جهانی است!



به استقبال روز زن برویم! برابری بیقید و شرط زن و مرد همین امروز!

سیاوش دانشور

است، در هر گوشه این دهکده، بورژواها و ژنرال‌ها و مثنی سیاستمدار نوکر و آخوند و سر عشیره و آدمکش حرفه‌ای خدائی میکنند. علم و دانش و تکنولوژی و ثروت و دستاوردهای بشری، در دست بورژوازی به وسیله‌ای برای عقب راندن بشریت به عهد جهالت و رواج مردسالاری و خودمحروری و زن ستیزی و خشونت عریان علیه میلیاردها نفر در خدمت منافع اقلیت بسیار بسیار ناچیزی، یعنی طبقه بورژوازی، بدل شده است.

نه فقط ستمگشی زن و تبعیض براساس جنسیت، بلکه نفس وجود هر نوع ستم و تبعیضی در دنیای امروز، رابطه مستقیمی با منافع نظام سرمایه داری و طبقه حاکم دارد. از خانواده بعنوان یک نهاد اقتصادی تا قلمرو تولید و مناسبات اجتماعی و قوانین، موقعیت فرو دست زن و وسیله‌ای برای کسب سود است و منافع طبقه‌ای را پاسداری میکند. ستمگشی زن یک رکن انباشت سرمایه است. همین ضرورت بازتولید بقای تبعیض و نابرابری و نگرش ضد زن و خشونت علیه زنان را توضیح میدهد. زن ستیزی مسئله‌ای صرفاً فرهنگی و اخلاقی واپسگرا نیست، مسئله اقتصادی و اجتماعی است. به منافع سلسله مراتب نابرابری در جامعه در تمام سطوح خدمت میکند و دقیقاً به همین اعتبار افکار و آرا و نگرش ضد زن ضروری اند و توسط نقاره کشان فسیلی دستگاه مذهب و ایدئولوژی متحجر بازار و "فرهنگ سازان" مرتجع بورژوا بازتولید میشوند.

در این دنیای تاریک است که ما کارگران و کمونیستها، ما زنان و مردان برابری طلب، ما انسانهای فهیم و آزاد اندیش، هنوز پرچم ۸ مارس را در دست داریم. آرزوی ما این نیست که تا جهان وجود دارد به خیابان بیائیم و

صفحه ۵

اگر از عینک نظام بورژوائی و دستگاه مافیائی مذهب و مردسالاری نهادینه در آن نگاه نکنیم، با امکانات مادی و دستاوردهای تکنیکی و اطلاعاتی دنیای امروز، با هر محاسبه‌ای میتوان دنیای آزاد و مرفه و خوشبخت برای همگان ساخت. میتوان از فقر و فلاکت و زن ستیزی و جامعه ستیزی و مصائب گریبانگیر بشر آزاد شد. اما هنوز مردسالاری و خشونت علیه زنان هزارها بار بیشتر از طاعون و جزام و ایدز و بیماریهای اپیدمیک و حتی جنگها از بشریت قربانی میگیرد. سوال اینست که منشا این زن ستیزی، این جان سختی مردسالاری، این فرهنگ ماجویستی کجاست؟ چرا ضدیت با آزادی و حرمت زن بعنوان یک انسان برابر در تمام شئون اجتماعی، علیرغم تفاوتی که در حقوق و موقعیت زنان در کشورهای مختلف هست، به شناسنامه دنیای امروز تبدیل شده است؟ چرا این فرهنگ منحن هر روز بازتولید میشود؟

سرمایه داری و ستمگشی زن

تاریخ مکتوب بشر با زن ستیزی و زن کشی عجین است. به این اعتبار زن ستیزی و تبعیض براساس جنسیت ویژگی سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ را مطابق با نیازهای بازار و سود سرمایه نونوار کرده است. مصائب جامعه امروز دیگر میراث عهد بوق و دوران جهالت بشر نیست بلکه محصول نظام سیاسی و اقتصادی امروز است. اگر هنوز زن کشی در دنیای امروز الگوهای قرون وسطی را بخاطر می آورد، تنها بیانگر این واقعیت است که افکار و عقاید طبقه حاکم و نظام سرمایه داری تا سطح افکار و فرهنگ قرون وسطی سقوط کرده است. در دنیائی که انفجار اطلاعات آن را به "دهکده ای جهانی" تبدیل کرده

میزان حرمت و آزادی بشر در دنیای امروز رابطه مستقیمی با درجه رشد تکنیک و علم و ثروت اجتماعی ندارد. بنظر میرسد این رابطه معکوس است. حقوق انسانها عموماً و حقوق مردم کارگر و زحمتکش و زنان خصوصاً، در دهه دوم قرن بیست و یکم در قیاس با دهه های شصت و هفتاد میلادی قرن بیستم و حتی قبلتر، بسیار وخیم است. امر آزادی و برابری و حقوق جهانشمول انسانها که زمانی از ارزشهای معنوی بشریت پیشرو بود، امروز دور دست و چه بسا محال به نظر میرسد. عقبگردهائی که سرمایه و جنبش های ارتجاعی و ایدئولوژیهای منحن به بشریت تحمیل کرده اند، نه فقط آرمانخواهی و تحقق ایده های قدیمی را به حاشیه رانده است بلکه سطح توقع انسانها از خود و از جامعه را بشدت تنزل داده است. دنیای امروز در جنگ و نفرت قومی و مذهبی و نسل کشی و زن ستیزی و کارگر کشی غرق شده است.

زمانی میگفتند آزادی بشر در گرو پیشرفت جامعه، رشد صنعت و تکنیک و وجود شرایط مادی ای است که بتوان از حقوق و آزادی و رفاه برای انسانها صحبت کرد. یک مشاهده ساده نشان میدهد که دنیای قرن بیست و یکم در ثروت و تکنولوژی پیشرفته و دستاورد علمی و توان غول آسای انسانی برای پیشرفت غرق است. با اینحال انسانها در قرن بیست و یکم در قیاس با قرن گذشته بسیار بیحقوق ترند. این اوضاع برای هزارمین بار اثبات میکند که بشر بطور تدریجی و برگشت ناپذیری رشد نمیکند و جلو نمیروند بلکه نیروهای واقعی سیاسی میتوانند جامعه را به قهقرا برگردانند. اما این یک طرف مسئله است. طرف دیگر مسئله جنبشها و نیروهای سیاسی و طبقاتی هستند که هنوز برای امر تغییر تلاش میکنند و تغییر اوضاع موجود را ممکن میدانند.

واقعیت اینست اگر وضع موجود را نپذیریم،

نشریه آزادی زن را توزیع کنید!

در صف اول هر مبارزه برای بهبود قانونی حقوق و حرمت زنان باشیم. اما باید بین هر تغییر و اصلاحی به نفع زنان رابطه روشنی با نفی ریشه ستم بر زن در جامعه طبقاتی امروز برقرار کرد. دیدگاههایی که هر نوع بهبود فوری موقعیت زنان را به سوسیالیسم حواله میدهند، همینطور دیدگاههایی که تلاش دارند سازشی بین خواستهای زنان و جامعه موجود برقرار کنند، هر دو و هر کدام بنوعی افق پیشروی این جنبش را مخدوش میکنند. اولی از سوسیالیسم درکی "امام زمانی" دارد در صورتی که سوسیالیسم یک جنبش واقعی و جاری برای تغییر است و کل دستاوردهای تاکنونی جوامع بشری اساسا محصول مبارزه نسلهای متمادی کارگران و جنبش سوسیالیستی و کمونیستی است. و دومی رفرمیستی است چون افق آزادی زن را در چهارچوب نظم کنونی قالب میزند. برای کمونیسم و برابری طلبی سوسیالیستی نه فقط مبارزه برای بهبود و اصلاحات و تغییر پایه ای و ریشه ای تناقضی ندارد بلکه لازم و ملزوم یکدیگرند. زن باید بعنوان انسان برابر از قید هر نوع ستم آزاد شود. زن بعنوان انسان برابر نباید شرایط خفت بار موجود را بپذیرد.

در ۸ مارس باید بر خواستهای فوری و پایه ای و نفی ارتجاع و آپارتاید و بیحقوقی زن تاکید کرد. در این روز باید سرمایه داری را بعنوان مسبب تمام مشقات انسان امروز به محاکمه کشید و برای سرنگونی آن فراخوان داد. نظامی که انسانها را با مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی و جنسیت و "بومی" و "خارجی" و "هویت جنسی" و "اقلیت" و "اکثریت" و غیره قصابی میکند، از این تقسیمات کاذب ذینفع است. کمونیسم علیه این تقسیمات کاذب است. کمونیسم برخلاف سرمایه داری منفعتی در این تقسیمات کاذب و هویتهای کاذب ندارد. برای کمونیسم کارگری جنبش آزادی زن جنبشی قائم بذات برای نفی تبعیض و نابرابری است. برای کمونیسم کارگری جنبش آزادی زن نه جنبشی که قرار است متحد این و آن شود و یا تاکتیکی به این و آن هدف خدمت کند بلکه راسا یک رکن جنبش سوسیالیستی

صفحه ۶

به استقبال روز زن برویم! برابری بیقید و شرط زن و مرد همین امروز ...

هر سوسیالیست و کمونیست جدی در آفریقای جنوبی دوران نژاد پرستی الغای فوری آپارتاید بود و نفی آپارتاید نژادی را یک گام مهم در انکشاف و بسط مبارزه طبقاتی میدانست، در ایران اسلام زده نیز نفی آپارتاید اسلامی یک شرط پیشروی جنبش آزادی زن برای تحقق برابری سوسیالیستی است. در کشورهایی که هویت انسانی اولیه نیمی از جامعه رسما و قانونا برسمیت شناخته نمیشود، امر سوسیالیسم و کمونیسم کارگری به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد.

یک تفاوت دیگر اینست که مسئله زن در ایران و کشورهای منطقه یک گوشه جدال بین المللی و تعیین کننده با اسلام سیاسی است. این مشخصه بویژه با رویدادهای مصر و تونس و مقاومت زنان در تقابل با اسلاميون تحفه دمکراسی غربی بیش از هر زمان برجسته میشود. زن ستیزی، حجاب، حاکمیت قوانین آپارتاید جنسی، از ارکانهای مهم ایدئولوژی جنبش اسلام سیاسی است. "انقلاب زنانه" علیه این وضعیت کمر جنبش اسلام سیاسی را میشکند و سرآغاز دوران نوینی از برابری خواهی و آزادخواهی سوسیالیستی در منطقه و جهان خواهد شد. پیروزی بر آپارتاید اسلامی در ایران زنان را بعنوان یک بازیگر مهم اجتماعی علیه اسلام و سرمایه داری در معادلات بین المللی طرح میکند و سوسیالیسم را بعنوان پیشروترین و مدرنترین جنبش مقابل بشریتی میگذارد که در جستجوی راهی برای برون رفت از کثافات سرمایه داری است.

اصلاحات و رهائی زن

مبارزه برای بهبود و تغییر قوانین به نفع زنان فوری و حیاتی است و ما کمونیستها و فعالین جنبش آزادی زن باید

از برابری زن و مرد دفاع کنیم! آرزوی ما اینست که دیگر جنگی برای ۸ مارس ضروری نباشد. تبعیض براساس جنسیت مانند هر جهالت و عقب ماندگی تاریخی دیگری ور افتاده باشد. ۸ مارس میراث و سنت کمونیسم کارگری است و بحق باید عزیز داشته شود. اما هدف این جنبش نفی فوری نابرابری و تبعیض و نفی شرایطی است که جامعه طبقاتی با تمام تضادها و تناقضات و مصائب زندگی بشر امروز و از جمله زنان را به جهنمی روی زمین تبدیل کرده است. ۸ مارس صرفا یک یادواره و مراسم "تکریم" از عقاید پیشرو و آرمانهای آزادیخواهانه نیست، بلکه جبهه ای قدیمی در جنگ علیه تبعیض و تحجر و نابرابری است و باید مادام که ذره ای از تبعیض براساس جنسیت برجاست پرچم آن برافراشته باشد.

آزادی زن و اسلام سیاسی

یک مسئله اساسی دیگر موقعیت زنان در کشورهای اسلام زده و مصافهای جنبش آزادی زن در این جوامع است. اینجا تفکیک مثلا ایران و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با کشورهای اروپایی و آمریکایی تا آنجا که به تعیین سیاستها و جایگاه جنبش آزادی زن برمیگردد بسیار حیاتی است. در اروپای غربی بعنوان مثال امر برابری حقوقی کمابیش محقق شده است و مسئله برابری اقتصادی در قلمروهای مختلف صورت مسئله سوسیالیستهاست. در ایران و کشورهای اسلام زده همین سیاست ناکافی است. تکرار صرف بحث درست برابری اقتصادی در کشوری مانند ایران و در عین حال بی توجه بودن به اهمیت تقابل با حاکمیت اسلامی بعنوان یک ابزار مهم قدرت سرمایه داری، عملا جنبش آزادی زن را در مقابل شمشیر خونین اسلام خلع سلاح میکند. در کشورهای اسلام زده که آپارتاید جنسی یک رکن حاکمیت سرمایه داری است، فرودستی زن از جنس نژاد پرستی و سلب هویت اجتماعی و انسانی نیمی از جامعه است. همانطور که سیاست و شعار

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!



در کشورهای مختلف به بردگی وادار شدند و در همان کودکی پرپر میشوند. تنها "شانس" ایرام این بوده که سرنوشت تلخ وی به مطبوعات راه یافته است. در حال حاضر نیمی از جمعیت پاکستان را جوانان زیر ۱۸ سال تشکیل میدهند. بخش بزرگی از کودکان کار در پاکستان در کوره پزخانه ها، رستورانها، هتلها، فروشگاهها و کارگاه های قالی بافی

وادر به کار شدند و تحت بدترین شرایط استثمار میشوند. این کودکان مرتبا با اعمال خشونت، سو استفاده جنسی و تجاوز، گرسنگی و عدم امنیت جانی روبرو هستند. این فجایع داستان زندگی روزانه آنهاست. آنجا هم که اعتراض میکنند با تهدید ترور و "تصادف" و قتل روبرو میشوند. اقبال مسیح یکی از این کودکان بود که در نزدیکی لاهور پاکستان توسط صاحب کار کارخانه قالی بافی ترور شد تا دیگر مزاحمتی برای صاحبان کارگاه های قالی بافی ایجاد نکند. او در سن ۴ سالگی در قبال پول ناچیزی به صاحبان کارخانه قالی بافی فروخته شد. اقبال به دلیل کار زیاد و تغذیه نادرست در سن ۱۲ سالگی فقط به اندازه یک کودک ۶ ساله رشد کرده بود. او در سن ۱۰ سالگی از کارخانه قالی بافی فرار کرد و به گروهی پیوست که علیه کار اجباری کودکان فعالیت می کردند. اقبال توانست ۳ هزار کودک را به این گروه وصل کند. علیرغم تلاش اقبال مسیح ها و انسانهای شرافتمندی که علیه کار اجباری و بردگی کودکان مبارزه میکنند، هنوز هزاران هزار کودک دیگر بعنوان برده در وضعیتی مشابه در کشور پاکستان به کار اجباری مشغولند.

زندگی کودکان کار در سراسر جهان مملو از بیرحمی و شقاوت است. برعکس ادعای بورژوازی مبنی بر کاهش تعداد کودکان کار در جهان، آمار کودکان کار فقط در آسیا و اقیانوسیه بیش از ۷۸ میلیون است. در این کشورها، پدر و مادرهای فقیر و یا معتاد فرزندان خود را از سر ناچاری راهی بازار کار می کنند. در موارد زیادی کودکان فروخته میشوند و بعضا خانواده آنها هرگز خبری از کودکان خود دریافت نمی کنند. این کودکان از بازار قاچاق انسان برای جنگ مسلحانه، قاچاق مواد مخدر، و شبکه های بردگی جنسی سر در می آورند.

انتشار خبر قتل ایرام چهره کثیف سرمایه داری مدرن امروز را منعکس میکند. ایرام اولین قربانی نبود و بدون تردید آخرین هم نخواهد بود. تا سرمایه داری و نظم مبتنی بر بردگی مزدی سرنوشت بشریت را در دست دارد، در به همین پاشنه خواهد چرخید و در کشورهایی مانند پاکستان وضعیت کودکان هر روز بدتر میشود.

واقعا این چه معمائی است که در پاکستان اتمی، بردگی و کار اجباری کودکان ممکن است اما تامین یک زندگی ایمن و شاد و مرفه برای کودکان "ممکن نیست" و حتی برای طرفداران نظم بردگی موجود "اتوپی" محسوب میشود؟ قتل ایرام دریچه ای است که از طریق آن میتوان به کشتار میلیونی کودکان در دنیای امروز نگاه کرد و برای رفع آن کاری کرد. *



قتل ایرام زیر شکنجه

شهلا نوری

امروز خبر دردناک جدیدی توجه ام را جلب کرد. خبر قتل دختر ۱۰ ساله پاکستانی زیر شکنجه توسط شخصی که وی را تصاحب کرده بود. این شخص قرار بود در قبال کار ایرام بعنوان خدمتکار و آشپز از وی در خانه خود نگهداری کند!

بر اساس گزارش پزشکان بیمارستان، ایرام قبل از رسیدن به بیمارستان به قتل رسیده بود و آثار شکنجه و کبودی طناب روی مچ پا و دستانش دیده می شود. مادر ایرام به خبرنگار می گوید: زنی است فقیر که یک دست خود را در محیط کار از دست داده است. او از دختران خود بدون حمایت مالی همسرش نگهداری کرده و برای نجات آنها از فقر و گرسنگی و گدایی در خیابانهای پاکستان، مجبور شده آنها را به خانواده هایی بسپارد. با این امید که شاید زندگی بهتری داشته باشند اما ایرام 10 ساله و برده خانگی توسط صاحبش بقتل رسید.

حکایت بردگی، زندگی و مرگ کودکان کار!

این فقط یک مورد از هزاران کودکی است که در کشورهای

به استقبال روز زن برویم!

برابری بیقید و شرط زن و مرد همین امروز ...

است. اگر برای بورژوازی فرودستی زن یک رکن انباشت سرمایه است، برای کمونیسم کارگری آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است. برای کمونیسم کارگری جنبش آزادی زن جنبشی قائم بذات برای نفی تبعیض و نابرابری است. بشریت کارگری که برای آزادی جامعه برمیخیزد ناچار است بعنوان بشریت آزاد از هر گونه تبعیض و نابرابری برخیزد و به همین اعتبار ناگزیر است در تمام ابعاد ریشه های تبعیض و نابرابری و زمینه های اقتصادی و اجتماعی آن را در هم بکوبد.

و بالاخره سازمان آزادی زن امروز یک نقطه امید است و باید به اهداف بزرگ در جدالهای اجتماعی فکر کند. امروز که برای هزارمین بار ثابت شده است که اسلام ضد حقوق زن است، امروز که زنان بیش از هر زمانی در جنگ با رژیم اسلامی بعنوان مختلف تلاش میکنند، یک پتانسیل قوی انقلابی در جامعه وجود دارد که باید توسط یک سیاست انقلابی بسیج شود و بمیدان آید. این امر سازمان آزادی زن است و پیشروی جنبش آزادی زن در گرو پاسخ به این سوال مهم است. این سازمان میتواند و باید این افق را داشته باشد که پرچمدار آزادی زن در ایران و الگویی برای رهایی زنان در کشورهای منطقه باشد. زنده باد آزادی زن! زنده باد روز جهانی زن! *

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

زن و سرمایه داری

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پانین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدر میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است.

اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند.

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۳۰، ۱۸ بوقت تهران از شبکه هات برد

کانال: KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

تلویزیون مدوسا

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی

KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سرمدبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هینت تحریریه:

آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

پیش به سوی آزادی زن!

جمع های آزادی زن را تشکیل دهید!

با ما ارتباط بگیرید.

نشریه آزادی زن را بخوانید، تکثیر و توزیع کنید.

شعارهای سازمان آزادی زن را تبلیغ کنید و شعارنویسی کنید.

اخبار مبارزات و گزارش وضعیت زنان را برای ما سریعاً ارسال کنید.

جمع های خود را گسترش دهید.

از طریق نشریه آزادی زن تشکیل جمع خود را اعلام کنید.

در مبارزات و اعتراضات مردم با شعارهای آزادی زن، زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر حجاب اجباری، آبارتاید جنسی لغو

باید گردد شرکت کنید.

دوستان و آشنایان را به پیوستن به سازمان آزادی زن تشویق کنید.

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!

اطلاعیه اول درباره برگزاری کنفرانس بین المللی آزادی و برابری زنان مذهب و سکولاریسم



سازمان آزادی زن با همکاری ابتکار فمینیستی اروپا روز اول مارس ۲۰۱۴، بمنظور بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن، یک کنفرانس بین المللی در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار می کند. تم این کنفرانس آزادی و برابری زنان و نقش مذهب و سکولاریسم است. این کنفرانس بویژه بر موقعیت زنان و جنبش آزادی زن در خاورمیانه تمرکز می کند. خیزش های اخیر توده ای، رشد و پیشروی جنبش اسلامی، بقدرت رسیدن جریانات اسلامی در تونس، مصر و لیبی و رودر رویی جنبش آزادی زن با جنبش اسلامی در منطقه، خیزش مردم ترکیه و تلاش برای بزیر کشیدن دولت اسلامی اردوغان، جنگ داخلی در سوریه و نقش فعال جریانات اسلامی در میان نیروهای اپوزیسیون سوریه و همچنین اعتراضات میلیونی در مصر علیه دولت اخوان المسلمین که بدخالت ارتش و برکناری دولت مرسی منجر شد، همه بر یک تنش عظیم میان جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و جنبش اسلامی دلالت می کند.

پشتیبانی و حمایت فعال غرب در راس آن آمریکا از جریانات اسلامی در منطقه نیز بیانگر آنست که علیرغم تمام تروریک تروریسم دولتی علیه تروریسم اسلامی، چگونه این دو تروریسم در مقابل جنبش آزادی مردم منطقه دست در دست هم می نهند. اما مقاومت مردم، قدرتمایی جنبش های آزادی زن، سکولار و کارگری در مقابل جریان اسلامی یک نقطه امید درخشان در تحولات منطقه است. بنظر می رسد که مردم منطقه و جنبش آزادی زن از تاریخ و تجربه ایران و موقعیت و جنبش آزادی زن در ایران آموخته اند.

سازمان آزادی زن در متن مبارزه و تلاشهای قاطع و دائمی خود برای آزادی و برابری زنان، علیه اسلام سیاسی و نقش مخرب و ارتجاعی مذهب تاکنون چندین کنفرانس بین المللی بسیار موفق برگزار نموده است. در این کنفرانسها فعالین جنبش آزادی زن از کشورهای مصر، افغانستان، ایران، الجزایر، فلسطین، اسرائیل، گرجستان و کشورهای اروپایی شرکت کرده اند و یکصدا از آزادی و برابری زن و نقش مهم سکولاریسم در این رابطه دفاع کرده اند. امسال نیز در تداوم این سنت کنفرانس دیگری با شرکت فعالینی از منطقه، از جمله ترکیه، سوریه، مصر، ایران و همچنین اروپا برگزار خواهیم کرد.

از هم اکنون کلیه علاقمندان را به شرکت در این کنفرانس مهم دعوت میکنیم. جزئیات بیشتر و نام سخنرانان در اطلاعیه های بعدی بااطلاع عموم خواهد رسید. اما از شما میخواهیم که تاریخ و محل این کنفرانس را از هم اکنون در تقویم هایتان بنویسید.



تاریخ:

شنبه اول مارس ۲۰۱۴

محل:

شهر گوتنبرگ، سوئد

سازمان آزادی زن
۸ دسامبر ۲۰۱۴

به سازمان آزادی زن پیوندید!